

ای محب صادق کاروان عاشق می رود کنون سوی کربلا
این زمان روان شو یار کاروان شو گر تو را بود هوای کوی کربلا
گر تو را بود هوای کوی کربلا
شور عشق و ایمان شوق وصل جانان پا ندد به نینوای حسین
در فای پیمان از صفای ایمان رو به جبهه کن در آرزوی کربلا
رو به جبهه کن در آرزوی کربلا
ای عاشقی که داری در جان و دل امید آن شور آفرین کعبه عاشقان
با حیل رهنوردان شو رهسپر به میدان تا زان قبله گه پشته یابی نشان
گر ساله که کوی حسینی گر پیرو پیر خمینی
یا لیتنا کنا معک گو از حق نری میدان مدد جو عزم رزم رهنزان کاروان نما
رو به سوی قبله گاه عاشقان نما
همتی برادر زان که محض کافر برده حرمت حریم از میان
عزم کربلا کن جان و تن رها کن تا رها کنی حریم حق ز کافران
تا رها کنی حریم حق ز کافران
ای قهرمان برادر رو سوی جبهه آور شو از جان و دل هم ره کاروان
با همت ای دلاور در یک نبرد دیگر رو در هم شکن پیکر بعثیان
گر ساله که کوی حسینی گر پیرو پیر خمینی
یا لیتنا کنا معک گو از حق نری میدان مدد جو عزم رزم رهنزان کاروان نما
رو به سوی قبله گاه عاشقان نما